

درنگ‌هایی در دعای ماه رجب

مهدی آصفی

ترجمه: عبدالرضا پورمطلوب

چکیده:

در این نوشتار دعای مشهور ماه رجب - که در این ماه پس از تمامی نمازهای یومیه خوانده می‌شود - شرح شده است. نویسنده پس از بیان مقدمه‌ای درباره‌ی صدور این دعا از امام صادق علیه السلام منازل چهارگانه رحمت الهی را - که در این دعا اشاره شده - توضیح داده است. این منازل عبارت‌اند از:

۱. امید و آرامش، ۲. کار و تلاش، ۳. نیایش، ۴. نیازمندی و تهیدستی.
- و سپس فرازهای دعا را با توجه به منازل چهارگانه یک‌یک شرح کرده است. کلید واژه‌ها: دعای ماه رجب، امام صادق علیه السلام، امید، نیایش، نیاز.

ای کسی که در هر چیزی به او امیدوارم، و در برابر هر شری از خشم او در امانم.
 ای آن‌که در برابر اندک فراوان می‌بخشی.
 ای آن‌که به هر کسی که از تو درخواست کند عطا می‌کنی.
 ای آن‌که به هر کسی که از تو درخواست نکند [نیز] عطا می‌کنی.
 و به آن کسی که از مهربانی و رحمت تو چیزی را نمی‌شناسد نیز عطا می‌کنی.
 به من بر خواهشی که از تو کرده‌ام همه خیر دنیا و همه خیر آخرت را عطا فرما.
 و به درخواستم از تو، همه شر دنیا و شر آخرت را از من دور ساز.
 زیرا هر چه عطا کنی از تو کم نیاید.
 و از فضل خود ای کریم بر من بیفزای.
 ای صاحب جلال و اکرام.
 ای صاحب نعمت‌ها و بخشش.

ای صاحب من و جود،

موی سپید مرا بر آتش حرام کن.^۱

این نیایش را امام صادق علیه السلام به محمد بن ذکوان از یاران خود در پاسخ به درخواست او برای تعقیبات بعد از نماز، در ماه رجب تعلیم داده است. او به سجده‌های طولانی‌اش معروف بود و به همین دلیل او به سجاد شهرت یافته بود تا جایی که در اثر کثرت سجده بینایی خود را از دست داد. سید بن طاووس از محمد بن ذکوان روایت کرده است که او گفت:

امام صادق علیه السلام به من دعایی برای ماه رجب تعلیم داده است. شاید خداوند متعال به آن مرا بهره‌مند گرداند.

محمد بن ذکوان گوید:

امام صادق علیه السلام به من فرمودند: بنویس، در هر روز از ماه رجب، صبح و شب، بعد از نمازهای روزانه و شبانه این دعا را بخوان.

و این دعایی است شریف و بلند مرتبه و از نمونه‌های عالی دعاهایی است که از اهل بیت علیهم السلام به ما رسیده است، در محافل مؤمنان در تعقیب هر نماز از ماه رجب خوانده می‌شود.

این دعا از دو دعا تشکیل شده است:

دعای نخستین از چهار ندا و نیایش تشکیل شده است.

آن چهار ندا عبارت‌اند از:

یا من ارجوه لکل خیر، و آمن سخطه عند کل شر.^۲

یا من يعطي الكثير بالقليل.^۳

۱. یا من ارجوه لکل خیر، و آمن سخطه عند کل شر.

یا من يعطي الكثير بالقليل .

یا من يعطي من سأله .

یا من يعطي من لم يسأله .

ومن لم يعرفه تخنأ منه ورحمة

أعطني بمسألتی إنيك جميع خير الدنيا وجمع خير الآخرة .

وَأَصْرَفَ عَنِّي بِمَسْأَلَتِي إنيك جميع شر الدنيا وشر الآخرة .

فإنه غير منقوص ما أعطيت .

وزدني من فضلك يا كريم .

یا ذا الجلال والإكرام .

یا ذا التعماء والجود .

یا ذا العمن والطول .

حرّم شبیبی علی النار .

۲. ای کسی که در هر خیریی به او امیدوارم، و در برابر هر شری از خشم او در امانم .

۳. ای آن‌که در برابر اندک فراوان می‌بخشی.

یا من يعطی من سأله.^۴

یا من يعطی من لم یسأله و من لم یعرفه تحننأ منه ورحمة.^۵

دعای آن نیز چنین است:

أعطني بمسألتی ایاک جمیع خیر دنیا و جمیع خیر الآخرة، وأصرف عني بمسألتی ایاک جمیع شر دنیا و شر الآخرة، فإنه غیر منقوص ما أعطیت و زدني من فضلك یا کریم.^۶

و اما نداهای سه گانه دوم:

یا ذا الجلال والإکرام.^۷

یا ذا النعماء و الجود.^۸

یا ذا المنّ و الطول.^۹

و اما دعای آن:

حرّم شیبتی علی النار.^{۱۰}

و آنچه در پی می‌آید، بخشی از درنگ‌ها و تأملات درباره این دعاست، و با دعای اول شروع می‌کنیم:

دعای اول

نداهای چهار گانه:

گفتیم که چهار ندا پیش از این نیایش آمده است. این نداها شامل منازل چهار گانه رحمت الهی در زندگی انسان است.

این منازل چهار گانه عبارت‌اند از:

۱. امید و آرامش، ۲. کار و تلاش، ۳. نیایش، ۴. نیازمندی و تهیدستی.

این منازل چهار گانه از مهم‌ترین منازل رحمت خداوندی است. ناگزیر از شرح و توضیح مطلب

اجمالی گفته شده هستیم.

۴. ای آن‌که به هر کسی که از تو درخواست کند عطا می‌کنی.

۵. ای آن‌که به هر کسی که از تو درخواست نکند [نیز] عطا می‌کنی، و ای آن‌که به کسی که از مهربانی و رحمت تو چیزی را نمی‌شناسد نیز عطا می‌کنی.

۶. به من بر خواهشی که از تو کرده‌ام همه خیر دنیا و همه خیر آخرت را عطا فرما، و به درخواستم از تو، همه شر دنیا و شر آخرت را از من دور ساز. زیرا هر چه عطا می‌کنی از تو کم نیاید، و از فضل خود ای کریم بر من بیفزای.

۷. ای صاحب جلال و اکرام.

۸. ای صاحب نعمت‌ها و بخشش‌ها.

۹. ای صاحب من و جود.

۱۰. موی سپید مرا بر آتش حرام کن.

۱. منازل رحمت خداوندی در زندگی انسان :

رحمت خداوندی بر همه اشیا گسترده و همه پدیده‌ها را شامل شده است. و از هر ذره ناچیزی هم دریغ نشده است. در هر جا و هر وقت و همه پدیده‌ها را در بر می‌گیرد. پس این همان رحمت و لطف گسترده، فراگیر و همه جانبه است.

ولی منازل دیگری برای رحمت خداوند متعال در زندگی انسان وجود دارد که فقط برای انسان آورده شده است و میزان آن برای سایر موجودات و با منازل، مکان‌ها و زمان‌های دیگر متفاوت است. و فقط در این منزل به خصوص است که برای انسان گونه‌ای ویژه از رحمت الهی پدیدار می‌شود، و رحمت‌های الهی بر انسان جاری می‌شوند؛ جاری شدنی سیل‌آسا، آن‌چنان که همه وجود انسان‌ها را سرشار از نعمت‌های الهی می‌سازد.

و از جمله منازل فراوان رحمت الهی، نماز است؛ زیرا نماز مایه نزول رحمت الهی برای انسان است. و از جمله این منازل تقوا و پرهیزگاری است؛ زیرا تقوا از منازل و وسایل نزول رحمت خداوندی است. و خداوند متعال خود در قرآن مجید فرموده است:

و اگر اهل این شهر ایمان آورده و پرهیزگاری پیشه کنند؛ هر آینه درهای برکت و رحمت آسمان و زمین را به روی آنان خواهیم گشود ۱۱

و از آن منازل است اضطراب یا نیازمندی‌های لازم، ضروری و اجتناب ناپذیر که طی آنها این چنین خداوند متعال را می‌خوانیم: «أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ أَلْسُقَاءَ...» ۱۲ و از آنهاست دل شکستگی؛ زیرا که خداوند با دل‌های شکسته است و او را می‌توان نزد قلب‌های شکسته یافت، و از آنهاست مساجد، و از آنهاست رکوع و سجودها و طولانی کردن آنها؛ هنگامی که خالصانه برای رضای خداوند متعال صورت می‌گیرند. و از آنهاست صحرای عرفه در روز عرفه و در عصر آن روز هنگامی که خورشید در حال غروب است؛ زیرا که رحمت خداوند متعال در این روز بر این صحرا بیشتر از همه جای دیگر دنیا فرو می‌آید. و زمان دیگر عصر عاشورای حسینی است؛ همچنان که روایات متعددی بر این موضوع تصریح کرده‌اند. و از منازل رحمت خداوندی طلب بخشش در سحرهاست؛ زیرا که رحمت خداوند متعال در سحرها بر استغفارکنندگان باریدن می‌گیرد. و از دیگر منازل رحمت الهی هنگام اجتماع مؤمنان و جمع‌های دوستانه و مجالس دینداری و پرهیز از گناه است؛ زیرا که دست و اراده خیر خداوند متعال همواره با جماعت است. و از منازل رحمت الهی هنگام برپایی نماز جماعت است؛ زیرا که آن زمان [هنگام برپایی نماز جماعت] و آن مکان [مسجد] از منازل ویژه بخشایش و رحمت خداوندی شمرده شده است. و از آن جمله صدقه است؛ زیرا که صدقه

۱۱. سورة اعراف، آیه ۹۶.

۱۲. سورة نمل، آیه ۶۲. «یا [کیست] آن‌کس را که درمانده - چون وی را بخواند - اجابت می‌کند...».

رحمت خداوندی را فرود و بلا را بر طرف می‌کند. به هر، حال منازل رحمت خداوندی در زندگی انسان فراوان بوده و چنانچه انسان این منازل را اختیار کند رحمت و بخشایش الهی بر او فرود می‌آید؛ فرود آمدنی و مشمول رحمت وی می‌گردد.

بندگان خردمند و فرزانه این منازل را خوب می‌شناسند و سخت مشتاق‌اند در آنجا حضور داشته باشند و [حظه‌ای] غیبت نکنند، پیوسته آنجا باشند تا آرامش جان یابند. آن‌گونه که جان اهل دنیا به دنیا خوی گرفته و در کنار آن آرامش می‌یابد.

منازل چهار گانه برای رحمت خداوندی عبارت‌اند از:

۱. امید و آرامش،

۲. کار و تلاش،

۳. نیایش،

۴. تهیدستی.

و این منازل در برگیرنده درخواست‌های چهار گانه‌ای است که در این دعا وارد شده است: ندای اول. یا من أرجو لکل خیر، و آمن سخطه عند کل شر؛ و این همان منزلت امید و آرامش است. ندای دوم. من يعطي الكثير بالقليل؛ یعنی عمل اندک را به پاداش فراوان پاسخ دادن و این همان کوشش و سعی انسان است.

ندای سوم. یا من يعطي من سأله؛ و این همان منزل نیایش و درخواست است. ندای چهارم. یا من يعطي من لم يسأله ومن لم يعرفه؛ و این همان منزل تهیدستی و نیازمندی است. زمانی که خداوند متعال رحمت و بخشایش خود را بر بندگان برای درخواست‌ها و تهیدستی‌شان فرود می‌آورد. البته این رحمت فقط به جهت درخواست و نیایش بندگان با او نبوده، بلکه به جهت دارندگی صفت بخشندگی و بخشایش در ذات اقدس اوست.

بنده در هر کدام از این ندها دری از درهای رحمت خداوندی را بر خود می‌گشاید. همچنین باید گفت: اسما و نام‌های خداوند متعال کلیدهایی برای جلب رحمت و بخشایش او هستند، پس به‌جاست که هنگام نیاز و نیایش، خداوند متعال را به نام‌های خاص رحمت و بخشایشش بخوانیم؛ زیرا هر نامی از نام‌های او دری از درهای رحمت فراگیرش را برای بنده می‌گشاید.

اکنون توضیحی مختصر برای منازل چهار گانه‌ای که در این ندهای چهار گانه آمده است:

۱ - ۱. منزل امید

نخستین منزل، منزل امید است. محدوده این منزل به میزان امید و چشم داشت بنده از بخشایش و رحمت پروردگارش است. همچنین به اندازه آرزومندی‌هایش، اطمینان خاطرش، و نیز گمان‌های

نیک او به خداوند متعال است. بنده در این منزل در نزدیک‌ترین جاها به خداوند متعال قرار دارد. و هر چه بیشتر بنده به خداوند متعال امیدوارتر باشد، به او نزدیک‌تر است. همچنین دعای او به پذیرش و استجابت نیز نزدیک‌تر است.

همچنان که در حدیث قدسی آمده است:

من آن چنانم که گمان بنده‌ام به من. پس هیچ گمانی جز خیر به من مبرید.

و به کلیم خود موسی بن عمران علیه السلام چنین وحی کرد:

چرا مرا نمی‌خوانی و به من امیدوار نیستی؟ پس همانا من شنونده حرف‌ها و درد دل تو هستم.

و از امام صادق علیه السلام چنین روایت شده است که:

هنگامی که دعایی را می‌خوانی، آن را در قلب خودت قبول شده و مورد پذیرش واقع

شده تلقی کن و چنان گمان بیر که اجابت در آستان تو است ...

این چنین دعایی که با امید و اطمینان همه جانبه به خداوند متعال خوانده می‌شود، محققاً مستجاب شده و پذیرفته می‌شود و این همان معنای اصطلاح «حاجته بالباب» است که در روایت از آن یاد شده است.

اطمینان به خداوند متعال از میزان شناخت بنده نسبت به ذات اقدس الهی ناشی می‌شود؛ همچنان که ترس بنده از خداوند متعال نیز ناشی از همین موضوع است. همچنین میزان شناخت بنده از ذات اقدس الهی هم اندازه ترس او از خداوند متعال است.

همچنان که خداوند متعال می‌فرماید:

از بندگان خداوند تنها دانایانند که از او می‌ترسند ...^{۱۳}

۱-۱-۱. مغزلی میان خیری که فرود می‌آید و شری که بالا می‌رود.

در کنار این امیدواری گسترده در هنگام انجام هر گناه و زشت خوبی از جانب بنده امان از کیفر و خشم خداوند متعال قرار گرفته است. بنده در این میان به خیری که از خداوند خواسته و فرود می‌آید امید دارد. نیز چنین بنده‌ای در برابر زشت کرداری خود که از او نسبت به نعمت‌های خداوند متعال صادر شده، مانند کسی است که از کیفر و مجازات خداوند متعال ایمنی یافته است.

در دعای عرفه امام حسین علیه السلام این تابلوی سحرانگیز را - که به توصیف خیر نازل و زشتی‌هایمان

در برابر این نعمت‌ها پرداخته است - چنین می‌یابیم:

[مولایم] تویی که منت نهادی؛ تویی که نعمت دادی به من، احسانم کردی. نیک رفتاریم

کردی، برتری‌ام دادی؛ تویی که کاملم کردی، روزی‌ام دادی، توفیقم عطا فرمودی، و به

من عطا کردی؛ تویی که توانگرم کردی، نگاهم داشتی، و مأوایم دادی، کفایت کارم

کردی؛ تویی که راهم نمودی، و خویشتن دارم کردی، پردهٔ من پوشیدی، و مرا آفریدی؛ تویی که از من درگذشتی، و پا بر جایم کردی، و عزیزم داشتی، و کمکم کردی؛ تویی که بازویم گرفتی، و تأییدم کردی، و یاورم شدی، و شفایم بخشیدی و تویی که عافیتم داده و گرامیم داشتی. تو مبارکی و برتری.

منم که بد کارم، منم که همت گمارم، منم که خطا کارم، منم که غافلم، منم که فراموش کارم، منم که اعتماد دارم، منم که تعمد می‌کنم، منم که پیمان می‌بندم، منم که پیمان می‌شکنم، منم که پایدار نمی‌مانم، منم که اقرار دارم، منم که معترفم به نعمت بر من و سنگینی بارم به گناهانم. آنها را بر من بیمارم، ای کسی که گناهان بندگانش به او زیان ندارد، و از پیروی آنها هم بی‌نیاز است.

همانا شناخت این خط سیر نازل و صاعد در گرو درک متقابل محبت خداوند متعال به بندگان و نیاز و وابستگی بندگان به اوست. شناخت و ادراک این محبت و نیاز برای انسان که گرچه در طبیعت و سرشتش نهفته شده است و علاوه بر آن از جایگاهی ویژه و اهمیت و ضرورتی فراوان برخوردار است. چه بسا ناتوانی در انجام وظایف بندگی، و خروج از حالت بندگی را برایش فراهم سازد. همچنین، بالعکس، انجام دو رکعت نماز واجب و یا انفاق دو درهم از دارایی خود ممکن است او را به عجب و خود بزرگ بینی بکشاند.

۱-۱-۲. امیدواری و سلامتی

همانا بین کارهایی که از او صادر شده و نیز خوبی‌هایی که از خداوند متعال به او می‌رسد، در امن و آسایش زندگی او را نگه می‌دارد. این آسایش یعنی امیدواری به رحمت، لطف، بخشش و هدیه‌های الهی، و همچنین به معنای ایمن پنداشتن خود از کیفر، عذاب و خشم خداوند متعال است.

او به رحمت خداوند متعال امیدوار است؛ زیرا او مهربان‌ترین مهربانان است و رحمت خود را بدون وقفه بر بندگان خود فرو می‌ریزد، و همانا رحمت او همه چیز و همه کس را شامل شده است؛ مگر آنانی که کارهای‌شان خود پرده و مانعی در برابر این رحمت شده است.

به دلیل همین امیدواری است که خود را از خشم و کیفر خداوند متعال - که به دلیل ارتکاب او به زشتی‌ها و گناهان و یا هر مخالفتی که با دستورات الهی صادر شده است - ایمن می‌بیند؛ زیرا خداوند مهربان و آمرزنده است و با مؤمنان در صلح و آشتی و آرامش است و به بندگان خود امنیت و آرامش را کرامت کرده و در مقابل نیز بندگانش ارزش این نعمت و آرامش را فهمیده و دریافته‌اند.

... و سبقت رحمته غضبه ...^{۱۴}

... رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَّحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا ...^{۱۵}

۱۴. مفاتیح الجنان، دعای جوشن کبیر، فقره ۲۰، بدین شکل: یا من سبقت رحمته غضبه.

۱۵. سوره غافر، آیه ۷: ... پروردگارا، رحمت و دانش [تو بر] هر چیز احاطه دارد. پس کسانی را که توبه کرده‌اند، بیمارم!

... وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ ... ۱۶.

و بنده در برابر رحمت خداوند متعال چیزی بسیار ناچیز از اشیاى این جهان است. از توصیف این تقابل، نمونه‌هایی دل‌انگیز را می‌توان یافت. نمونه‌هایی با شکوه از ادب و نیایش در برابر رحمت خداوند متعال را از امام سجاد علیه السلام به روایت ابو حمزه ثمالی می‌خوانیم:

کدامین جهالت و بد کاری است که لطف و کرم تو آن را فرامی‌گیری؟ یا چه زمانی است که پیش از زمان حلم تو است؟ و اعمال نیک ما در برابر نعمت‌های تو چه ارزش دارد؟ و چگونه اعمال زشت‌مان را با وجود لطف و کرم بی‌انتهایت بسیار بدانیم؟ آری چگونه مجال بر گناهکاران با وجود رحمت و اسعه بی‌پایانت تنگ خواهد شد.

و ای پروردگارم، من ذره ناچیز کیستم؟ مرا به فضل و کرمت ببخش و به عفو و رحمتت بر من منت گذار.

ای پروردگار من، کردار زشتم در پرده دار و از گناهانم به بزرگواری ذاتت درگذر.

۳-۱-۱. آرامشی بین بیم و امید

امید یکی از دو بُعد امنیت یا آرامش است و بعد دیگر آن بیم یا ترس از خداوند متعال است. در واقع آرامشی که یک سوی آن بیم از خداوند تعالی نباشد، انسان را به معصیت می‌کشاند.

همانا امیدواری حالتی است که انسان در آن ناچار از پیوند با خداوند متعال است، و بدون آن، امیدواری نیز پیوند انسان با خداوند پیوندی ناخالصانه و از روی بیم و هراس خواهد بود. خداوند متعال هرگز این چنین پیوندی را خوش آیند ندارد. همچنین این پیوند در نفس بنده نیز اثری جز تزلزل و نا آرامی یا اضطراب نخواهد داشت. و هیچ‌گونه آرامش و سکینه‌ای برای انسان به ارمغان نخواهد آورد. عکس یا خلاف این موضوع نیز کاملاً صادق است، زیرا هنگامی که پیوند انسان با خداوند متعال فقط بر امیدواری به او استوار باشد، هیچ‌گونه ترسی به همراه نخواهد داشت. همچنین انسان را نسبت به انجام معصیت بی‌پروا نمی‌گذارد. همچنین بنده به امیدواری، در مراقبه و نگه داشتن نفس خود از لغزش‌گاه‌ها و آزمایش‌ها یا امتحان‌های نفسانی، دچار سهل‌انگاری و نفوذ شیطان در نفس خود نمی‌شود. چه بسا انسان را از امثال این لغزشگاه‌های ترسناک نیز دور بدارد؛ زیرا که امیدواری، آدمی را از مکر خداوند متعال در امان نگه داشته و بر خدا ترسی او غلبه نمی‌یابد.

ولی پیوندی از روی ترس انسان را به خداوند متعال نرسانده و به شناخت و دریافت کاملی از پروردگار خود نایل نمی‌آورد؛ زیرا که پیوندی ناقص و ناخالص وصال، شناخت و دریافتی ناقص و ناخالص را در پی خواهد داشت. نزاهت و ارزش انسان فقط به نزاهت پیوند او با خداوند متعال بستگی

دارد. پس اگر پیوند او با خداوند متعال صادقانه نبوده، تعادل و توازن او در زندگی روزمره، به هم خورده و ارزش او کاسته می‌گردد.

صحت و درستی پیوند با خداوند متعال به پیوند صحیح و توازن بین بیم و امید بستگی دارد. پس هرگز نباید ترس بر امیدواری و امیدواری بر ترس غلبه یابد ... و این چیزی نیست جز آنچه که باید باشد. [یعنی تعادل در خوف و رجا].

و البته معنای این سخن تردید و تشکیک بین خوف و رجا نیست، بلکه معنای آن ترکیب و به هم آمیختن خوف و رجاست، پس به خداوند متعال امیدواریم و به ریسمان او چنگ می‌یازیم. و همچنین در عین دل فریفتگی فراوان، سخت از او اندیشناک و بیمناکیم. همچنین به همبستگی و ارتباط تعادل در پیوند با خداوند متعال و موضوع بیم و امید باید در این مرحله نظر و دقت داشت. از امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده است:

عالم واقعی آن دانشمندی است که مردم را از بخشایش و مهربانی خداوند متعال نومید نگردانده، در همان حال آنان را از مکر خداوند تعالی مطمئن نساخته و زنهار بدهد.^{۱۷}
با این توضیح، این بخش از دعا را خوانده و در آن به اندیشه و تأمل می‌پردازیم.
«یا من ارجوه لکل خیر و آمن سخطه عند کل شر».^{۱۸}

۴-۱-۱: امیدواری و امنیت

یعنی در همهٔ اموری که از نزد خداوند متعال برای بنده‌اش فرود آمده، جای امیدواری است. و خود را در هر آن زشتی که نسبت به ذات اقدس الهی از او سر زده است، به گونه‌ای در امان بدانند. و بین خود و خداوند متعال اضافه بر این دو کلمه چیزی نمی‌یابد؛ خیر و خوبی تو به ما فرود آمده و زشتی کردار ما نسبت به تو صادر و در نزد تو آشکار شده است. پس برای هر آنچه که از جانب خداوند متعال به ما فرود آمده است، حمد، ستایش و سپاس‌گزاری لازم است، و از هر چه که از ما نسبت به ذات اقدس الهی صادر شده، باید استغفار و طلب بخشش کرده؛ البته ما در همهٔ اموری که از جانب او به بندگانش نازل شده است به او امیدواریم ... چرا که خداوند متعال نیکی محض، رحمت‌گسترده، مهربانی ناب، بخشش فراگیر، کرم، عطا و احسان محض است، و امکان ندارد چنین کسی احسان، خوبی و بخشش خود را قطع کند ...

و خلاصهٔ کلام این‌که آدمی خود را در منازل بخشایش خداوند متعال دریافته، به همین سبب در معرض رحمتش قرار می‌دهد. و همین موضوع خود از منازل و مراحل رحمت الهی است.

۱۷. شرح نهج البلاغه، ج ۱۸، ص ۸۷ حکمت ۹۰. به شکل: الفقیه کل الفقیه من لم یفطن الناس من رحمة الله، ولم یؤسهم من روح الله، و لم یؤمنهم من مکر الله.

۱۸. ای کسی که در هر چیزی به او امیدوارم، و در برابر هر شری از خشم او در امانم.

و از نشانه‌های بدبختی و شقاوت انسان این‌که خود را از این نعمت گسترده و پیوسته محروم داشته، هیچ تلاشی در درک این منازل و یا امیدواری خود به ذات اقدس الهی و حتی در روبه‌رو شدن و بهره‌مندی از این منازل را از خود نشان ندهد.

۲-۱. منزل عمل

منزل دوم از منازل رحمت خداوند متعال در این درخواست‌های چهارگانه، منزل کار، تلاش و یا عمل است. «ای کسی که به اندک ما فراوان می‌بخشی».^{۱۹} یعنی کسی که بخشش فراوان خود را به کار اندک ما اختصاص می‌دهی؛ یعنی میزان فراوانی از پاداش را در برابر اندکی از تلاش قرار داده است. قطعاً خداوند متعال کوشش، حرکت و عمل آدمی را از وسیله‌های روزی بندگان خود قرار داده است و توسعه و فراخی روزی خود را برای کسی که راهی بازار و مزرعه است، قرار می‌دهد و نیز تنگ دستی را بهره‌رسانی می‌گرداند که در کوشش و عمل از خود سستی نشان داده است.

هیچ تردیدی نیست که خداوند متعال همان روزی دهنده‌ای است که خود صاحب قدرت و نیرویی نفوذناپذیر است و به جز ذات اقدس الله هیچ روزی دهنده‌ای نیست. و روزی بنده از نزد همان الله است. و هیچ‌گونه رزق و روزی در بازار و مزرعه و یا به جهت رفت و آمد و تلاش به دست نمی‌آید. و هیچ تردیدی در این واقعیت نیست؛ زیرا که خداوند متعال خود کار و کوشش را جزئی از منازل رزق و رحمت قرار داده است. و همانا تکرار مکرر عبارت «عمل صالح» پس از واژه «ایمان» در قرآن مجید مؤید همین موضوع بوده و از علت‌های رستگاری انسان و موفقیت او شمرده می‌شود. خداوند متعال در سوره عصر، ایمان و عمل صالح را سبب نجات انسان از زیان و فرو شدن در آن دانسته است.

خداوند متعال می‌فرماید:

قسم به روزگار * که انسان قرین زیان است * مگر کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند و هم دیگر را به حق سفارش کرده و هم دیگر را به صبر سفارش می‌نمایند.^{۲۰}

مصدق‌های عمل صالح در زندگی روزمره انسان بسیار فراوان است، و عمل صالح همان تلاش و کوششی است که انسان در آن رضایت خداوند متعال را برای خود جستجو می‌کند بنابراین تعریفی که برای «عمل صالح» ارایه دادیم، هیچ تفاوتی بین انسانی که در بازار مشغول انجام کار بوده و بین کسی که برای رضایت و جلب رحمت خداوند متعال مشغول انجام فرایضی همچون نماز و روزه است، نیست؛ زیرا همه این کارها از مصادیق کارهای شایسته و عمل صالح بوده و انجام هیچ

۱۹. یا من يعطي الكثير بالقليل.

۲۰. سوره عصر، آیه ۱-۳.

کدام، شخص را از انجام عمل صالح دیگر بی نیاز نمی‌گرداند. و خداوند متعال خود بندگان را به کار، کوشش و عمل دعوت کرده است و انسان را در برابر انجام هر نیکی به پاداش مناسب بشارت داده است.

اکنون در برابر درخواست وارد شده در دعای «یا من يعطی الكثير بالقلیل» می‌پرسیم: معنای قلیل و کثیر یا اندک و فراوان کدام است و چه ارتباطی بین این دو واژه وجود دارد؟ پاسخ این‌که قلیل یا اندک همان کوشش و عمل ماست، و کثیر یا فراوان همان پاداش و بخشش خداوند متعال است که در برابر کار و عمل ما، به ما عنایت می‌فرماید. دهش‌های خداوند متعال بر دو گونه‌اند: یک نوع در مقابل انجام کار و دیگری بدون انجام کار و یا بلا عوض.

مقصود ما از مقابل یا در برابر انجام کار، عرف رایج و معمول، یعنی به میزان، معادل، برابر و به اندازه کار انجام شده نیست؛ زیرا پاداش خداوند متعال و دهش او برابر هیچ کدام از کارهای ما نیست. این همان تجارتي است که قرآن مجید همهٔ ما انسان‌ها را به انجام آن در بین خود و خداوند متعال فراخوانده است.

خداوند متعال می‌فرماید:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، آیا شما را به تجارتي راهنمایی کنم که شما را از عذابی دردناک رها می‌سازد * به خدا و پیامبرش بگروید و با مال‌ها و جان‌هایتان در راه خداوند جهاد کنید. این برای شما بهتر است، اگر دانسته باشید * تا خدا گناهانتان را بیامزد و به بهشت‌هایی که جوی‌ها در آن روان است درآورد؛ با مسکن‌های خوب در بهشت‌ها، که این همان کامیابی بزرگ است.^{۲۱}

این همان تجارت پُر سودی است که پروردگار برای‌شان آماده کرده است. خداوند متعال می‌فرماید:

خداوند از مؤمنان جان‌ها و مال‌هایشان را خرید، [در مقابل این] که بهشت از آن‌هاست، در راه خداوند کارزار کنند؛ بکشند و کشته شوند. وعدهٔ خداوند است که در تورات و انجیل و قرآن به عهدهٔ او محقق است و کیست که به پیمان خویش از خداوند وفادارتر باشد. از معاملهٔ [پُر سود] خویش که انجام داده‌اید، شادمان باشید که این همان کامیابی بزرگ است.^{۲۲}

و این بخشش آن چیزی است که خداوند متعال بندگان خود را در برابر کارشان و متناسب با آن روزی داده است، و البته این پاداش معادل و مساوی با کارشان نیست. و این پاداش چیزی جز آن چیزی است که خداوند متعال در برابر انجام هر کاری برای بندگان در نظر گرفته است. که این شاء الله

۲۱. سورهٔ صف، آیهٔ ۱۰-۱۲.

۲۲. سورهٔ توبه، آیهٔ ۱۱۱.

ما در آینده از آن سخن خواهیم گفت.

این بخشش همان است که خداوند متعال آن را برای بندگان خود در برابر کوشش‌ها و تلاش‌هایشان ضمانت کرده است که آن را قانون «تناسب بین کار و پاداش» محکم و متقن کرده است. البته این قانون بخشش و دهبش خداوند متعال بر طبق قاعده رایج و معمول، یعنی هم ترازوی و یا برابر با کار و کوشش نیست.

پس در نتیجه، آن کارهای شایسته که ما به خداوند متعال می‌بریم و آن چیزی که او از ثواب و پاداش به ما داده است، برابر و هم اندازه نیست؛ زیرا کوشش کسی که در کارهای شایسته صرف شده است، کوششی فانی و از بین رفتنی است؛ هر اندازه هم که زمان انجام آن طولانی بوده باشد. ولی آنچه که خداوند متعال از ثواب و پاداش به انسان می‌بخشد، امری ماندنی و زوال ناپذیر است. هر آنچه که در نزد شماست، از بین رفتنی است و هر آنچه که نزد خداوند است، جاوید و پایدار است ... ۲۳

این، جنبه کیفی مسأله، اما جنبه کمی آن.

خداوند متعال می‌فرماید:

حکایت کسانی که اموال خویش را در راه خداوند انفاق کنند، چون دانه‌ای است که هفت خوشه رویانیده که در هر خوشه صد دانه است. و خداوند برای هر که خواهد، دو برابر کند، [زیرا] که خداوند وسعت بخش و داناست. ۲۴

این تمثیلی بیش نیست، اما در عین حال بیش از آن است که خداوند متعال خود آن را چند برابر کرده باشد.

... و خداوند برای هر کسی که بخواهد چند برابر می‌کند، و خداوند برای هر که خواهد، دو برابر کند که خداوند وسعت بخش و داناست. ۲۵

و خداوند متعال پاداش بندگان را به آنچه که از کارهای‌شان بهتر است، پاسخ می‌دهد. خداوند متعال می‌فرماید:

... تا خداوند بهتر از آنچه که می‌کرده‌اند، پاداششان دهد. ۲۶

... و پاداششان را از آنچه می‌کرده‌اند، نکوتر دهیم. ۲۷

معنای پاداش به «بهتر» و به «بهترین شکل» این است که خداوند برای شخصی از هر نوع از

۲۳. سوره نحل، آیه ۹۶.
 ۲۴. سوره بقره، آیه ۲۶۱.
 ۲۵. سوره بقره، آیه ۲۶۱.
 ۲۶. سوره توبه، آیه ۱۲۱.
 ۲۷. سوره نحل، آیه ۹۷.

کارهایش بهترین نمونه‌های آن را انتخاب کرده، سپس آن را نمونه و مقیاسی برای پاداش در همه کارهایش قرار می‌دهد. این خود نهایت لطف و در پاداش الهی در کرم و بخشندگی است. پاداش بر سه نوع است:

فرومایگی یا پستی در پاداش، عدالت در پاداش و نیکی در پاداش.

اما «فرومایگی» در پاداش، بدین معنا که پاداش را برابر ضعیف‌ترین کار عمل کننده قرار داده و آن را میزان سنجش در مورد پاداش سایر کارهایش قرار می‌دهد، مثلاً ممکن است فردی ده سال با دیگری دوستی و مصاحبت داشته، خوبی‌های فراوان و ارتباط‌هایی شایسته، همراه با کمک دهی‌ها و نیکی‌های فراوانی داشته باشد، در یک مورد از او برخوردی تند، منفعلانه، همراه با درشت‌گویی ببیند، سپس همه گذشته خیر و خوب را فراموش و دوستی خود را - که از رهگذر همه خوبی‌ها و نیکی‌های گذشته به دست آمده - رها کرده و آن را انکار کند.

البته این بدترین و زشت‌ترین نوع پاداش است که فقط افراد فرومایه و لئیم مرتکب آن می‌شوند؛ چرا که ضعیف‌ترین نمونه از پیوندهای این سال‌های طولانی را ملاک و مقیاسی برای تمام پیوندها و برخوردهای این مدت قرار داده است ... و این همان فرومایگی در پاداش است.

نوعی دیگر از پاداش، «برقراری برابری و عدالت» در پاداش است. البته این مستلزم آن است که عدالت خو، منش و سیره همه مردم شده باشد، که البته در همه موارد به جز پیوندهای عاطفی و عادت‌های صمیمانه، سودمند بوده و موجب شفاف‌سازی روابط انسانی است. در این نوع شخص مبهم‌ترین و روشن‌ترین نمونه را در نظر گرفته و بین این دو توازن برقرار ساخته، میانگین آن دو را در نظر می‌گیرد. همچنان که مدارس در تعیین نمره امتحانی دانش‌آموزان از همین روش استفاده می‌کنند. این همان معنای برقراری تعادل و برابری در پاداش است.

«نیکویی» و پاسخ بهتر در پاداش که از همه این موارد برتر است. این همان پاداش خداوند متعال برای بندگان خود است که قبلاً گفتیم: «پاداش دادن به بهتر از عملکرد». خداوند متعال بهترین کارهای بنده را مقیاس و نمونه کارهایش قرار می‌دهد. همچنین این نمونه‌های برتر را مقیاس و میزانی برای پاداش سایر کارهای نیک قرار می‌دهد. و خداوند متعال مهتر و بزرگ قوم نیکوکاران است.

نمی‌دانیم چگونه خداوند متعال برای بندگان خود احسانی بزرگ‌تر و فراتر از این احسان تدارک دیده است؟ زیرا که خداوند متعال پس از این فرموده است:

تا خداوند بهتر از آنچه که کرده‌اند پاداش‌شان دهد و از کرم خویش افزون‌شان کند ... ۲۸

پس این چنین برتری را خداوند متعال وسیله مناسبی برای تمایز بندگان که آنان را به

بهترین گونه پاداش برای کار کردشان مفتخر کرده، قرار داده است. و بیش از این احسان از فضل خویش نصیب ایشان می‌کند.

و خدایا، تو چقدر کریم و ارجمندی و ما بندگان چقدر لثیم و پست!

۳- ۱. منزل سوم:

یا من یعطی من سأله ۲۹

و این سومین منزل از منازل رحمت الهی است. این همان منزل بخشش و دهش است که در پی دعا و مسألت رخ می‌دهد؛ ولی درخواستی بدون عوض و بدون انجام هر کاری. بخشش و دهش بر دو نوع است:

پاداش در برابر کار و عمل، و دیگر پاداش بدون انجام کار و عمل. نوع دوم پاداش فقط در برابر درخواست کردن و حاجت خواستن صورت می‌گیرد. و خداوند متعال همچنان که به انسان‌ها در برابر انجام کار مزد و پاداش می‌دهد، در برابر درخواست کردن و نیایش نیز چیزی از بخشش و عطای خود را ارزانی می‌دارد. و هر کدام از این دو، دری از درهای رحمت و منزلی از منازل رحمت است. و کسی که این بخشش را از رحمت و دهش خداوند درخواست نکند، فقط خود محروم می‌ماند.

تأمل در این قسمت از دعا به ما می‌آموزد که طرفین معامله، درخواست و بخشش است؛ با این توضیح که بخشش در اینجا معادل درخواست است. به عبارتی دیگر، هر کسی که درخواست کند، بخشش شامل او می‌شود؛ زیرا هر کسی که درخواست کرد، خداوند متعال به او خواهد بخشید. این به دلیل درخواست و طلبی است که خود از بندگان داشته است.

مؤید این سخن از آیه شریفه «... أَدْعُوْنِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ...»^{۳۰} گرفته شده است. پس استجابت در این آیه کریمه معادل دعا و درخواست آمده است. به همین دلیل، هیچ‌گاه خداوند متعال دعای بنده خود را بی پاسخ نمی‌گذارد؛ مگر زمانی که آن را لقلقه زبان خود ساخته و روح حقیقی دعا را نداشته باشد. او هرگز دست بنده‌ای را که به دعا به سویش بلند شده، بی پاسخ بر نمی‌گرداند؛ مگر این‌که یکی از این سه ویژگی را داشته باشد:

الف. درخواست عجله یا شتاب در پاسخ یا استجابت،

ب. به تعویق انداختن زمان استجابت یا پاسخ،

پ. تبدیل آن به چیزی دیگر.

پس محققاً تعجیل در استجابت درخواست بنده همیشه به خیر او نیست؛ زیرا که خیر بنده در باقی بودن او در حالت تضرع به سوی خداوند در سختی‌ها و گرفتاری است. زمانی که خداوند

۲۹. ای آن کسی که به هر کسی که از تو درخواست نکند [نیز] عطا می‌کنی.

۳۰. سوره غافر، آیه ۶۰: «... بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را...».

متعال استجابات درخواست بنده را تا زمانی معین به تأخیر می‌اندازد، او را در حالت تضرع و نیایش نگه داشته است. او حالت نیایش را برای بنده خود بسیار می‌پسندد ... و بخشی از مفهوم واژه تأجیل یا به تأخیر و به تعویق انداختن مربوط به نگه داشتن حالت روحانی نیایش و تضرع در آدمی است. نیز چه بسا استجابات حاجت بنده اکنون و یا آینده به خیر و صلاح بنده نباشد. در مقابل، تأخیر در استجابات درهای خیر و رحمت خود را در دنیا و آخرت به روی او می‌گشاید ... این همان تبدیل چیزی به چیز دیگر است. پس هیچ‌گاه برای درخواست‌ها، دست‌ها تا برابر گوش‌ها بالا برده نمی‌شوند، مگر این‌که پُر از یکی از این سه به سوی صاحب خود برگردانده می‌شود:

الف. تسریع در اجابت دعا،

ب. جایگزینی زمانی زودتر در اجابت دعا،

ج. جایگزینی در اجابت دعا به چیزهای دیگر.

عقل نیز آنچه را که قرآن مجید درباره درخواست و بخشش گفته، تأیید می‌کند؛ زیرا که معمولاً رد کردن درخواست بندگان به یکی از سه دلیل زیر انجام می‌شود:

الف. رد کردن درخواست او به دلیل عدم توانایی از انجام درخواست داعی و یا درخواست کننده نیست؛ زیرا که خداوند متعال از انجام هیچ کاری ناتوان نبوده و رحمت خود را بر همه چیز گسترانیده است. همچنین گنجینه‌های رحمت الهی به سبب مسألت بندگان دچار کسری و کاستی نگردیده و هر اندازه که بخشش و لطف خود را افزونی بخشد، به دهش و بخشش او ذره‌ای افزوده نشده، بلکه همگی موجودات بخشش و لطف او را بهتر در می‌یابند.

ب. رد کردن درخواست داعی به سبب بخل و آزمندی نیست؛ زیرا در ساحت قدس خداوند متعال تنگدستی و آزمندی راه ندارد.

ج. رد کردن درخواست بنده به سبب حالات روحی داعی به دلایلی از قبیل شتاب زدگی و اصرار فراوان نیست؛ زیرا که شتاب و تعجیل در استجابات درخواست و دعای بنده اساساً به صلاح بنده نیست.

دلایل اول و دوم، مسلماً، در مورد خداوند متعال منتفی است و هیچ جایی در ساحت قدس او، رحمت گسترده و گنجینه‌های پُر فیض الهی ندارد. و در مورد دلیل سوم نیز باید گفت: خداوند متعال هیچ‌گاه دعای بنده را بی پاسخ نمی‌گذارد و چنانچه زمانی آن را به تأخیر بیندازد و یا به چیز دیگری تبدیل کند، قطعاً به صلاح و خیر او عمل کرده است. او خود فرموده است:

... بخوانید مرا تا استجابت کنم شما را ... ۳۱.

و این جمله دعا «یا من یعطی من سأله» از این آیه کریمه گرفته شده است.

* * *

یا ذا الجلال والإکرام * یا ذا النعماء والوجود * یا ذا المنّ والطول * حرّم شیبتی علی النار. ۳۲

یا این قسمت، بخش دوم از دعای ماه رجب است. پس از توضیح درخواست‌های سه گانه‌ای که ذکر اسمای جلال و جمال الهی بود، اکنون به درنگ و دقت در این نداهای سه گانه دوم می‌پردازیم.

نخستین ندا

یا ذا الجلال والإکرام

و جلال به معنای «عظمت» و «منزه و برتر دانستن» است. و در صورت نخست، به معنای «دارنده بزرگی و بخشندگی» و در صورت دوم، به معنای «منزه و برتر دانستن خداوند متعال از ستم» است. و خداوند متعال دارنده جلال است، به این معنا که از ستم بر بندگان برتر، منزه و میراست. دارنده اکرام است؛ زیرا بندگان را گرامی داشته، خیر و خوبی خود را به آنان ارزانی می‌دارد. عظمت از اسمای جلال، و اکرام از اسمای جمال است. و بنده به وسیله همین اسمای جلال و جمال به خداوند متعال متوسل می‌شود.

ندای دوم

یا ذا النعماء والوجود

و خداوند متعال پدید آورنده، دارنده و بخشنده همه نعمت‌هاست. و او سخاوتمند مهربانی است که از بسیاری اوصاف برتر است. او همان برتری است که همه نعمت‌ها در تصرف اوست. زیرا او خود ناجی دارایی‌ها و گنجینه‌دار همه نعمت‌هاست. «گنجینه‌های آسمان و زمین از آن خداست...».^{۳۳} و او همان سخاوتمند مهربانی است که از بسیاری اوصاف برتر است و هیچ کس برابر بخشش و لطف او نیست. و هیچ‌گونه تنگ دستی در ساخت قدس او راه ندارد؛ چرا که از هر چه در تصور ما آید، برتر و بالاتر است. پس همو دارنده همه نعمت‌ها و بخشنده آنهاست. پس [با این اوصاف] چگونه به بندگان نیکی نکند؟ و ایشان را گرامی ندارد؟ و هنگامی که از او درخواستی می‌نمایند، چگونه به آن پاسخ مثبت ندهد؟

جز این نیست که کسی از بخشش و دهش باز می‌ماند که از تصرف آن در مانده و ناتوان باشد، یا این که تنگدستی است که نفسش او را از بخشش و دهش باز داشته است. محققاً پروردگار ما ﷻ از همه این اوصاف و نداری، ناتوانی، تنگ دستی و آزمندی، منزه و برتر است. با این توضیح، چگونه بندگان خود را عزیز نشمرد و آنچه را که از او درخواست کرده‌اند، به

۳۲. ای صاحب جلال و اکرام * ای صاحب نعمت‌ها و بخشش * ای صاحب منّ و جود * موی سپید مرا بر آتش حرام کن.

۳۳. سوره منافقون، آیه ۷.

آنان نبخشند؟ او منزهی است که بر بخشش تواناست؛ زیرا او دارنده همه نعمت‌هاست و همو ناجی دارایی‌ها و نعمت‌های خود است. و او خود بخشندهٔ مهربانی است که بخشش و لطف را دوست داشته و تنگدستی در ساحت بخشش و لطف او راه نیافته است.

هرگاه کسی که از او مسألت می‌شود، خود بخشنده است، حتماً دهش و بخشندگی را نیز دوست دارد و همه را به درخواست از خود فرا خوانده است.

پس همچنان که گفتیم، کاهلی و درشت‌خویی در درخواست کردن و نیایش از طرف بنده از زشت‌ترین اخلاق‌ها خواهد بود.

ندای سوم

یا ذا المنّ والطول

«منّ» به معنای بخشش و «متّان» از نام‌های خداوند تبارک و تعالی است. و همچنان که در روایت ابو حمزه ثمالی در دعای سحر امام سجاد علیه السلام آمده است:

او متّانی است با بخشش‌ها و هدایایی که به مردم سرزمین خود می‌بخشد.

و واژهٔ «متّان» از «منّ» به معنای بخشش و دهش گرفته شده است؛ نه آن‌چنان که برخی آن را از واژهٔ «مَنّت» به معنای «منت نهادن بر کسی» گرفته‌اند. مَنّت به معنای «انتظار تکریم داشتن» و یا «خود را سزاوار تکریم پنداشتن» در بخشش است.

با این توضیح، «منّ» در نزد ما بدان معناست که کسی کاری را محکم، منظم، متقن و درست انجام نداده و پاداشی خاص هم برای خود در نظر ندارد. ولی به او پاداشی بس بزرگ و ارجمند می‌دهند. این همان معنای متّان از اسمای خداوند متعال است.

ولی اطلاق «متّان» به معنای «خود را سزاوار تکریم پنداشتن» و یا «منت نهادن» بر کسی که چیزی را به دیگری نمی‌بخشد، رواست. این کار بسیار پسندیده و باعث از بین رفتن ثواب و محو ارزش آن هدیه می‌شود؛ همچنان که خداوند متعال فرموده است:

و بخشش برای بیشتر یابی مکن. ۳۴

ولی سخن دیگر خداوند متعال که به پیامبر فرموده است:

ای پیامبر، بگو بر من به جهت ایمان آوردن تان منت نگذارید، بلکه خداوند بر شما به دلیل هدایت تان به ایمان منت دارد ... ۳۵

تشابهی به نام «فَنّ مشاکله» میان دو کلمهٔ مَنّت و متّان وجود دارد.

۳۴. سورهٔ مدثر، آیهٔ ۷.

۳۵. سورهٔ حجرات، آیهٔ ۱۷.

همانا خداوند متعال حق دارد از بابت نعمت‌هایی که بر بندگان ارزانی داشته است، منت گذاشته، خود را سزاوار تکریم بداند.

واژه «طول» به معنای «برتری بر دشمنان» است. این معنا از حدیث «تطاول علیهم ربهم بفضل»^{۳۶} به معنای «پروردگارشان به فضل و فراوانی‌های خود بر آنان برتری یافت» است. معنای «تطوّل» و درخواستی که از خداوند متعال در این دو توصیف داشته‌ایم این است که: او را به «سزاوار تکریم بودن»، «برتری داشتن» و «برتر بودن» توصیف کرده‌ایم.



بعد از این ندهای سه گانه آخرین بخش و آخرین درخواست را با هم می‌خوانیم: «حرم شیبیتی علی النار»^{۳۷}.

خداوند متعال برتر از آن است که بندگان خود را به ستم عذاب کند؛ زیرا او دارنده نعمت‌هاست، هیچ کاستی و کسری برای گنجینه‌های رحمت و نعمت او متصور نیست، و او به حق بخشنده‌ای است که تنگدستی و آزمندی را هیچ نشانی در ساحت قدسش نیست؛

بر بندگان خود با آمرزش و بخشش منت می‌گذارد؛ زیرا او دارنده نیکی‌ها و برتری‌ها و شایستگی‌های فراوانی بر بندگان است.

لذا این قسمت از دعا را می‌توان دو گونه تفسیر کرد، به نحوی که هر دو درست باشد؛ زیرا امکان دارد این دعا، نیایشی برای سبب سازی و توسل به وسیله‌های خداوند متعال باشد تا او را از شرک، آلودگی‌ها و گناهان باز دارد. به همین جهت، یکتا پرستی همچون دژی است که صاحب خود را از شرک باز داشته و تقوا هم چون حصاری است که صاحب خود را از گناهان و آلودگی‌ها دور می‌دارد. با یکتا پرستی و پاک دامنی خداوند متعال بنده خود را محفوظ داشته، او را از شرک و گناه در امان نگه می‌دارد. این همان درخواست وسیله‌های خداوند است.

محققاً معنای این بخش از دعا این است که خداوند متعال برای بنده گناهی را که به سبب انجام‌شان استحقاق آتش جهنم را پیدا کرده است، می‌بخشد. پس اگر گناهان و آلودگی‌ها هم زمان با پشیمانی و توبه بوده و از لجاجت و سر سختی و اصرار دور باشد... محققاً بخشش، آمرزش و رحمت خداوند متعال را فرو خواهد آورد.

خداوند متعال می‌فرماید:

۳۶. النهایة فی غریب الحدیث، ج ۳، ص ۱۴۴.

۳۷. مری سبید مرا بر آتش حرام کن.

ای بندگان من که بر خود گزافه کاری کرده‌اید، از رحمت من ناامید مباشید که خداوند همه گناهان‌تان را می‌آمرزد و او آمرزگار مهربان است. ۳۸

این آیه از امیدوار کننده‌ترین آیات قرآن مجید است که در آن بخشش و آمرزش گناهان و آلودگی‌ها توسط خداوند متعال تصریح شده است؛ همچنان که نیایش با او مایه استغفارش می‌گردد. زمانی رحمت، بخشش و آمرزش خداوند متعال جوان آلوده به گناه و زشتی را فرا خواهد گرفت که او خود را همچون همه استغفار جویندگان با احساس شرمندگی و پشیمانی در بارگاه خداوند متعال حاضر سازد. همانا آن هنگام از گناهان و آلودگی‌ها جدا و دور خواهد شد. همچون جوان صالحی که رحمت، بخشش، مهربانی و آمرزش خداوند متعال او را فرا گرفته است. چنین یافته‌ایم که بین این دو حضور تفاوت‌هایی است



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی